

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هفتم، شماره (۲۰)، بهار ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۵

صص ۲۴۰ - ۲۱۷

بررسی رابطه کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج و استحکام خانواده از دیدگاه زوجین در شهر بوشهر

سوسن آقاچان بگلو^۱، حمیرا بذرافکن^۲، شهره انعامی عراقی^۳

چکیده

یکی از مهمترین و کاربردی‌ترین روش‌های افزایش آگاهی‌های عمومی در خصوص مسایل اجتماعی توجه به آموزش‌های عمومی در قالب کارگاه‌هایی است که می‌توان تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی شده‌ای نظیر کنترل جمعیت، آموزش مهارت‌های زندگی، آموزش مهارت‌های ارتباطی و رشد نگرش‌ها و... را توسط متخصصان به عموم مردم آموزش داد. برپایی کارگاه‌های پی از ازدواج نیز روشی است که در این راستا برنامه‌ریزی شده است. اما این که در این کارگاه‌ها به چه چیز پرداخته می‌شود و تا چه حد توانسته در استحکام خانواده موثر باشد مسأله‌ای است که لازم است مرتباً پژوهش شود و نتایج آن در اختیار متخصصان

s_a_baglu@yahoo.com

۱- استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور بوشهر

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی در دانشگاه شیراز و مدرس دانشگاه پیام نور بوشهر

۳- کارشناس ارشد آمار و مربی در دانشگاه پیام نور بوشهر

برنامه ریزی قرار گیرد. پژوهش حاضر نیز با همین هدف انجام شده و ۴ متغیر آگاهی از مسایل جنسی، آگاهی از مهارتهای زندگی، آگاهی از مسایل روان شناختی و مهارتهای ارتباطی و آگاهی از مسایل اجتماعی مورد آزمون قرار گرفته و با توجه به میزان همبستگی و تحلیل رگرسیون مشخص شد که آموزش این متغیرها از نظر شرکت کنندگان در کلاسهای فوق در استحکام خانواده می تواند تاثیر گذار باشد. اما نتایج آمار توصیفی نشان داد که در این کلاسها به آموزش این متغیرها توجه لازم نشده است.

واژه‌های کلیدی: آموزش پیش از ازدواج، مهارت‌های زندگی، مهارت‌های ارتباطی، آگاهی، خانواده

مقدمه و بیان مسأله

در دنیای جدید مدام در حال تغییر و تحول فعلی، جوامع انسانی به طور متناوب در حال مواجهه با پدیده‌های نو از یک سو پیامدهای غیرمنتظره و پیچیده که تاثیر زیادی بر زندگی فردی و اجتماعی آنها دارد هستند. خانواده نیز از این جریان مستثنی نبوده و سیر تکاملی آن نیز گویای این نکته است که خانواده در جریان تغییرات اجتماعی و فرهنگی بسیار چهره عوض کرده است. خانواده‌های گسترده به هسته‌ای تغییر کرده و همزمان نقش‌ها و تقسیم کار نیز بسیار متفاوت و متنوع شده است. آداب و رسوم ازدواج و تشکیل خانواده تغییر کرده و تکنولوژی‌های نو پدید و رسانه‌ها نقش مهمی در تغییر شیوه ارتباطات انسانی و رابطه‌های شخصی ایفا کرده اند. از سویی همزمان با این تغییرات نیازهای انسان‌ها نیز تغییر کرده است، آنها در این دنیای در حال تغییر خواستار آرامش هستند که می‌خواهند در خانواده پیدا کنند. این آرامش مستلزم آگاهی از مسایل پیچیده جهان امروز است. این مسایل طیف وسیعی در بر می‌گیرد از مسایل جنسی گرفته تا مهارت‌های زندگی و ارتباطی. امروزه اعضای خانواده زمان کمتری نسبت به گذشته با هم هستند و تعداد نفرات کمتری که با هم زندگی می‌کنند و باید در همین زمان و همین تعداد افراد نیازهای عاطفی جسمی و روحی یکدیگر را درک کرده و بر طرف نمایند. برآورده کردن این خواسته برای تعدادی از افراد به دلیل عدم توانایی درک شرایط به دلیل ناآگاهی با مشکلاتی همراه است که بر استحکام خانواده اثر گذار بوده و بروز

آن باعث سست شدن پیوند میان اعضای خانواده و به ویژه زوجین می‌شود. این در حالی است که بسیاری از این بحران‌ها به خاطر مسایلی بوجود می‌آید که بسیار ساده بوده و ناشی از عدم آگاهی است. سیاست‌گذاری صحیح اجتماعی و آموزش‌های عمومی می‌تواند تا حدودی از این مسایل بکاهد و آگاهی بخش باشد. شناختن انتظارات منطقی باعث خواهد شد که زوجین با روبرو شدن با تجارب زندگی مشترک نا امید نشده و مهارت‌های رویارو شدن را یاد بگیرند. افزایش نگران‌کننده طلاق در جامعه ناشی از عدم شناخت و درک صحیح از وضعیت‌های دشوار از یک سو و عدم آگاهی از تفاوت گذاشتن بین ملاک‌های رایج و ملاک‌های صحیح و سطح توقعات از سوی دیگر است. تلاش برای استحکام خانواده‌ها یکی از مهمترین مسایل در جهان در حال تغییر امروز می‌باشد. در هر حال همانطور که تغییرات اجتماعی به شکلی اجتناب ناپذیر در جوامع و زمان‌های مختلف اتفاق افتاده است هم چنان ادامه خواهد داشت و سرعت آنها هم چنان در حال افزایش است و به همین دلیل جوامع اغلب مملو از مسائل هستند و آنها قادر به حل مسائل توسط خود یا با راهنمایی و مساعدت یک کارشناس خارجی یا شخص مرجع می‌باشند. هدفها و مقاصد در جامعه می‌توانند مسیری برنامه ریزی شده برای تغییر را ایجاد کنند. در هر جامعه ای، تغییر اجتماع به خودی خود در یک طریق مداوم ایجاد می‌شود. برای تغییر برنامه ریزی شده نیاز به معرفی ایده‌ها و استفاده کردن از منابع درون جامعه یا به دست آوردن منابع خارجی می‌باشد، همچنین برای ایجاد تغییر باید نیاز احساس شود و جامعه باید یک احساس نارضایتی یا پریشانی به منظور نیاز به تغییر یک وضعیت خاص کرده باشد. (چاندران و مالینگام، ۱۳۷۲۰: ۱۱۶) آموزش مناسب برای تامین این گونه رفتار که شامل انواع رفتارهای ارتباطی، اجتماعی و بهداشتی می‌باشد لازم است. آموزش عمومی علاقه مند به تغییر آگاهی، احساسات و رفتار مردم است. آموزش قبل از ازدواج نیز از سری آموزش‌های عمومی است که می‌تواند تغییرات اجتماعی برنامه ریزی شده‌ای نظیر کنترل جمعیت، آموزش مهارت‌های اجتماعی در هنگام مواجهه با بحران‌های روحی و رفتاری و روانی، آموزش مسایل مربوط به بهداشت جنسی برای کاهش تنش‌های رفتاری بین زوجین، آگاهی بخشی به افراد در مواجهه با جریان‌های اثر گذار بر خانواده مانند رسانه‌ها، تکنولوژی‌های نوین و... که در جامعه امروزی نفوذ زیادی دارند و... به کسانی یاد بدهد که شاید کمترین آگاهی در مورد این مسایل

نداشته و یا آگاهی آنها از ادراک عامیانه - که خود می تواند آسیب زا باشد - سرچشمه گرفته باشد. اما آیا این کلاس ها اثر بخش هستند و آیا محتوی این کلاس ها آگاهی بخشی لازم دارد یا خیر مسأله ای است که باید مورد توجه و پژوهش قرار بگیرد تا این برنامه ها مرتب پالایش شده و ضعف های آن برطرف گردد و به روز شود. این پژوهش به منظور بررسی اثر بخشی این کلاس ها برای زوجین که در این کلاس ها شرکت کرده اند انجام شده است و در پاسخ به این سوال است که آیا برگزاری کلاس های آموزش قبل از ازدواج نقش آگاهی بخشی در زمینه های فردی و اجتماعی و ارتباطی داشته است به طوری که به آنها در مواجهه با مسایل و بحران ها مهارت لازم داده باشد و از نظر زوجین که از ۶ ماه تا ۴ سال از ازدواجشان گذشته است، دوره های آموزشی قبل از ازدواج در استحکام خانواده تاثیر داشته است؟

اهمیت و ضرورت و اهداف تحقیق

هر اندازه که هدف ما در سطح بالاتری از سلامتی قرار داده شود و تسهیلات ضروری برای هر فرد فراهم گردد، زندگی سالم و واقعی به فرد و همچنین اجتماع به صورت های مختلف خانواده، خویشاوندی، طبقه و غیره... وجود دارد بستگی پیدا می کند. رفتارهای درست و یا نادرست بهداشتی بخشی از فرهنگ می باشد. عادات، رسوم و سنت ها عمدتاً عواملی هستند که رفتار را در هر جامعه ای تحت تاثیر قرار می دهند. این عوامل همچنین توسط باورها، ارزش ها، گرایش ها و غیره تحت تاثیر قرار می گیرد (چاندران و مالینگام، ۱۳۷۲: ۱۱۷). با توجه به اهمیت موضوع، تعداد، تنوع و پیچیدگی عوامل آن، می توان با افزایش آگاهی بر بعضی از عوامل تاثیر گذاشت. آیا اساساً این دوره های آموزشی قبل از ازدواج در کاهش روابط زیان بار می تواند موثر باشد؟ هدف کلی این تحقیق بررسی میزان تاثیر کلاس های آموزش قبل از ازدواج که از نوع آموزش های عمومی و در راستای برنامه ریزی اجتماعی است تاثیری در استحکام روابط درون خانواده و همچنین بالا بردن میزان آگاهی افراد در خصوص مهارت در مواجهه با مسایل خانواده ها داشته است یا خیر.

ادبیات تحقیق و چارچوب نظری

ظهور تغییرات اجتماعی بیشتر با شروع انقلاب صنعتی در نیمه دوم قرن هجدهم یعنی از سال ۱۷۸۰-۱۷۶۵ به بعد در جهان (اروپا و آمریکا) آغاز شد و هم‌چنان ادامه دارد (لاور، ۱۳۸۰: ۲۱). تغییرات محیطی که باید با تغییر در سازگاری فرهنگی همراه شود. تغییر فرهنگی تماس با گروه‌های دیگر است که عقاید و راه‌های جدید انجام دادن کارها را مطرح می‌کند و در نهایت به تغییر در ارزش‌های سنتی و رفتار منجر می‌شود (عسکری خانقاه، ۱۳۷۳: ۱۰۶). در آموزش جهت توسعه و تشکیلات محلی معمولاً کارکنان امور توسعه نقش عامل خارجی را بازی می‌کنند. تغییر برنامه ریزی شده، تغییری است که آن را عامل تغییر از طریق فرآیند آموزش به جامعه معرفی می‌نماید. او باید ارباب رجوع خود را بشناسد و ایده‌های خود را به آنها ارائه کرده و در آنها ایجاد انگیزه کرده و همه فنون لازم رشد و توسعه را در جامعه نظیر رویکرد آموزش فردی، خانوادگی، گروهی، قومی و رهبری را بکار بندد. اساساً تغییر برنامه ریزی شده بایستی یک امر اجتماعی باشد یا یک مسئولیت عمومی را در جامعه به عهده داشته باشد. عامل ایجادکننده تغییر باید نقشی کمک‌کننده داشته باشد. برنامه ریزی باید به کمک خود مردم انجام گیرد و عامل ایجاد تغییر، باید به عنوان یک فرد مرجع عمل کرده، ایجاد انگیزه کند چنانچه در مالینگام، (۱۳۷۲: ۱۱۷). شناخت پیامدهای اقدامات برای کیفیت زندگی و سلامت مردم و اجتماعات، برای برآورد پیامدهای اجتماعی اساسی است. برآورد پیامدهای بهداشتی و برآورد پیامدهای اجتماعی هر دو به دغدغه‌های عموم مردم می‌پردازند؛ در واقع ابعاد و وجوه انسانی را با برآورد پیامدهای زیست محیطی تلفیق می‌کنند؛ پیامدهای نامطلوب را به کمترین و پیامدهای سودمند را به بالاترین میزان می‌رسانند؛ باعث افزایش تاثیر گذاری هزینه‌های به عمل آمده می‌شوند؛ اهداف اجتماع و اقدامات توسعه‌ای را با یکدیگر هماهنگ کرده و توسعه‌ی پایدار را به ارمغان می‌آورند (بکر و ونکلی، ۱۳۸۸: ۱۴۰) یکی از مهمترین ارکان توسعه توجه به خانواده یعنی کوچکترین واحد اجتماعی که فرد در آنجا اجتماعی می‌شود، می‌باشد. جوامعی که دارای خانواده‌های سالم و پویا هستند در واقع دارای نیروی

انسانی سالم و پویا هستند، لذا در برنامه ریزی اجتماعی به خانواده اهمیت زیادی می‌دهند. انتخاب همسر و ازدواج مرحله مهم و حساسی هم از بعد اجتماعی و هم از بعد فردی برای افراد هر جامعه است. انتخاب درست و مناسب هم فرد را به آرامش می‌رساند و هم جامعه را از بحران‌های مسایل اجتماعی آسیب‌زا مانند طلاق و پیامدهای آن حفظ می‌نماید. برنامه ریزی اجتماعی برای داشتن ازدواج‌های موفق می‌تواند یکی از راههایی باشد که به این دو هدف کم و بیش جامه عمل بپوشاند. انتخاب همسر مناسب و راههای برقرار کردن ارتباط همسران با یکدیگر به شناخت نیاز دارد. مسیری که این شناخت نیز میسر سازد به آگاهی نیازمند است و آگاهی هم در پرتو آموزش‌های مناسب به افراد در جامعه به دست می‌آید. در دوران قبل، همسرگزینی به شدت تحت فشار اجتماعی بود. انتخاب همسر نه براساس میل و علاقه دو طرفه به ازدواج، بلکه به دلیل «جبر اجتماعی» صورت می‌گرفت. در جامعه‌ای که فردیت مطرح نبود علائق فردی نیز ارزشی نداشت. برای دختر ازدواج مرحله‌ای بود که از نقش دختر مجردی که در خانه پدر یا برادر زندگی می‌کرد به نقش کدبانوی منزل برسد. پایگاه اجتماعی دختر مجرد چه در خانه پدر یا برادر نامشخص بود، احتمالاً بالاتر از خدمه، اما به طور حتم پایین‌تر از پایگاه کدبانوی خانه. تنها راه ارتقای پایگاه اجتماعی، ازدواج بود هر چند که زن متاهل معمولاً تحت سلطه مادر شوهر نیز بر روی او اعمال قدرت می‌کرد، اما بتدریج با انتقال اقتدار شوهر به زن در حیطه‌های خاص، زن تبدیل به فرد فرمان‌دهنده و پس از فوت مادر شوهر، به بالاترین مقام خانه می‌رسید به این ترتیب برای دختران جامعه ازدواج تنها امکان کسب یک نقش اجتماعی قابل قبول جامعه بود. مردها نیز مجبور به ازدواج بودند، زیرا اداره واحد خانه که در عین حال محل تولد نیز بود، بدون وجود زن که قسمتی از کارها را برعهده گیرد امکان نداشت. با ازدواج، مرد مجرد تبدیل به مرد متاهل می‌شد که اهمیت اجتماعی بالاتری از مرد عذب داشت. علاوه بر آن ازدواج کارکرد اتحاد‌دهنده خانواده‌ها نیز داشت (اعزازی، ۱۳۸۸: ۴۰). در زمان انتخاب همسر فرد براساس منطق نه بر اساس احساسات رفتار می‌کرد. باید پذیرفت در شرایط اجتماعی دوره‌های گذشته که فرد برای بقا در جامعه باید با مشکلات و عوامل گوناگونی می‌جنگید، طبیعتاً افکار منطقی بر افکار احساسی غالب می‌شوند و اصل مهم در ازدواج بر اساس «من نقش خود را ایفا می‌کنم و تونش خود را، هر دو بر طبق در

خواستهای جامعه عمل می‌کنیم و زندگی ما بدون مشکلی ادامه می‌یابد» (shorter, 1978:258; به نقل از اعزازی: ۳۰).

اطلاعات، اسناد و مدارک اروپای قرون وسطی نشان می‌دهد، اولاً سن اولین ازدواج بسیار بالاتر از امروز بوده، تعداد مجردین بسیار زیاد بوده، به غیر از اشراف که در سنین پایین ازدواج می‌کردند و دیگران به دلایل اقتصادی در سنین بالا ازدواج می‌کردند (quale, 1988:189). از جمله قوانین ازدواج اروپا داشتن امکان تامین زندگی بود و برای بسیاری از مردان پس از ۲۵ سالگی این امکان پیش می‌آمد سن ازدواج بالا بود، برای مردان اروپا حدود ۲۸-۲۷ سالگی و برای دختران ۲۶-۲۵ سالگی گذشته از بالا بودن سن ازدواج، افرادی به دلیل نوع شغل یا به دلیل فقر بی‌پایان هرگز قادر به ازدواج نبودند (اعزازی، ۱۳۸۸: ۳۲). «نظام باز ما قوماً گرایش به الگویی دارد که در آن انتخاب شریک امری خالصاً شخصی است و در مورد آن نفوذ و دخالت مهمی از جانب والدین اعمال نمی‌گردد.» (پارسونز ۱۳۶۳: ۱۷۳).

در خانواده گسترده همسرگزینی، از طریق مبادله دختر و پسر پیوند دو خانواده را بوجود می‌آورد، به همین سبب همسرگزینی در اختیار خانواده بود، نه در اختیار فرد. و با پیدایش نظام جدید، همسرگزینی از اختیار خانواده خارج شد و اختیاری فردی شد و همسرگزینی آزاد پدید آمد. «ازدواج‌های از قبل ترتیب داده شده، بیشتر در نظام‌های خویشاوندی معینی پیدا می‌شوند که در آنها نظامها زوجی که تازه ازدواج کرده، در گروه خویشاوندی بزرگتری فرو می‌رود و به صورت جزئی از آن در می‌آید. در سیستم همسرگزینی آزاد محرک انتخاب همسر «عشق رومانیک» است، با انتخاب همسر به دلیل عاشق بودن در نظام خانوادگی این توقع در کار است» که زن و شوهر تعهدی دارند تا عشق یکدیگر باشند.» (پارسونز، ۱۳۶۳: ۷۳۱). در نظر پارسونز و جامعه‌شناسان دیگر انتخاب همسر بر اساس علاقه و عشق یکی از ویژگی‌های خاص خانواده هسته‌ای است. زوج جوان پس از ازدواج به هیچ یک از خانواده‌های جهت یاب وارد نمی‌شوند، بلکه واحدی مستقل برای زندگی خود تشکیل می‌دهند و نومکان می‌شوند بدون وابستگی‌های خویشاوندی به زندگی می‌پردازند، به همین سبب در انتخاب همسر نیز از قیود و تمایلات خانواده آزاد شده و بدون توجه به ملاحظات خانوادگی بر اساس میل و علاقه قبلی همدیگر را انتخاب می‌کنند. این شیوه را «همسرگزینی آزاد» می‌گویند و باید توضیح

داد، که به معنای آزادی از قید و بندها، سلیقه‌ها و دستورات خانوادگی است اما همچنان در قید و بند سدهای اجتماعی گرفتار است (اعزازی، ۱۳۸۸: ۹۶). انتخاب همسر پدیده‌ای اجتماعی و درگیر قید و بندهای آن است. پیوند دو نفر از طریق مراسم عقد و عروسی به جامعه اعلام می‌شود. در این مراسم دختر و پسر هم آمادگی خود را برای ایفای نقش زن و شوهر اعلام می‌کنند و هم پیوند خود را به جامعه اعلام می‌کنند که به طور ضمنی رضایت جامعه را نیز به همراه دارد. به این ترتیب هرچند از دخالت‌های خانواده کاسته شده و مکانیسم‌های آن بی‌اثر شده است. اما مکانیسمی اجتماعی بوجود آمده و از ازدواج‌هایی که باعث برهم خوردن نظم جامعه شوند - که مهم‌ترین آن طبقه اجتماعی است - جلوگیری می‌کند (سگالن، ۱۳۷۰؛ میشل ۱۳۵۴ به نقل از اعزازی، ۱۳۸۸).

هرچند که افراد جامعه، برون گروهی ازدواج می‌کنند، اما از دید طبقه بندی اجتماعی، نژادی، مذهبی، یا ملیتی درون گروهی ازدواج می‌کنند، برون گروه یعنی نسبت به محارم خود، و درون گروه نسبت به طبقه اجتماعی، مذهب، نژاد و ملیت خود (اعزازی، ۱۳۸۸: ۹۶). ازدواج همسایگان نیز بسیار متداول است (میشل، ۱۳۵۴) نیمی از ازدواج‌های شهری ازدواج میان افراد یک محله است. شعاع انتخاب همسر در همسایگی تا یک کیلومتر و نیم گسترده‌گی دارد. همسایه‌گی به معنای زندگی در یک محله است و معمولاً افرادی که از لحاظ شغل، درآمد و سایر ویژگی‌هایی قشری مشابه هم هستند در یک محله زندگی می‌کنند (اعزازی، ۱۳۸۸: ۹۷). نتایج تحقیقات همسرگزینی نشان می‌دهند که اکثر ازدواج‌ها، متجانس و درون گروهی هستند، تشابهات قشری، مذهبی، خانوادگی در میان زوج‌هایی که با یکدیگر ازدواج کرده‌اند به حدی زیاد است که نمی‌توان آن را تصادف دانست، بلکه بیشتر، نشان دهنده این نکته است که روندهای اجتماعی، با در کنار یکدیگر قرار دادن گروه‌های مشابه در کنار یکدیگر، همسرگزینی آنها را نیز تعیین می‌کند. اما در برخی از موارد ازدواج میان دو طبقه متفاوت با یکدیگر نیز مشاهده این نوع ازدواج‌ها معمولاً مرد از طبقه بالا و زن از طبقه پایین تر است. توجیه این پدیده بدین شکل است که معمولاً در هر جامعه معیارهایی برای انتخاب همسر و ازدواج وجود دارند - البته باید توجه داشت که معیارهای همسرگزینی در کشورهای غربی در دهه اخیر دچار دگرگونی زیاد گشته است. (lichter, 1991: 843-861؛ اعزازی، ۱۳۸۸: ۹۹) در ایران نیز فرایند

گزینش همسر در دوران‌های گذشته کم‌تر در اختیار دختر و پسری بود که با هم ازدواج میکردند. معمولاً بزرگترها به ویژه والدین، بیشترین نقش را در ازدواج فرزندان داشتند. در عصر کنونی، به ویژه در دهه‌های اخیر در ایران، بتدریج خواست دو زوج در امری که بزرگترین اقدام در تعیین سرنوشت شان به شمار می‌رود، عامل اساسی گردیده است. آزادی‌های فردی دختر و پسر، در گزینش همسر فزونی یافته است، با وجود این زنان در انتخاب شریک زندگی باید قواعد پیچیده و دقیقی را رعایت کنند و در این میان نقش والدین هنوز برجسته است. دختر و پسر باید در فرایندی که عواطف و شناخت‌ها در نظر گرفته می‌شود، به انتخاب شریک زندگی پردازند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۳۳) در ایران انتخاب همسر هنوز به شکل سنتی و تحت نظارت خانواده‌ها قرار دارد، اما معمولاً نظارت خانواده در همان جهت سدهای اجتماعی عمل می‌کند، یعنی خانواده‌ها تجانس اجتماعی زوج جوان را از لحاظ طبقاتی، خانوادگی و اجتماعی در نظر می‌گیرند و سپس با توجه به میل و علاقه باطنی دختر و پسر نسبت به یکدیگر، ازدواج صورت می‌گیرد. هرچند این امکان که دختر و پسری شخصاً یکدیگر را انتخاب کرده و سپس رضایت خانواده‌های خود را جلب کنند نیز وجود دارد. ویژگی خاص ازدواج ایران شاید ازدواج‌های فامیلی باشد که هنوز هم بسیار رایج است. البته ازدواج‌های فامیلی نیز معمولاً تاییدی بر ازدواج‌های قشری هستند، زیرا معمولاً افراد یک خانواده در سطح مشابهی از لحاظ اقتصادی قرار دارند. در ایران به دلیل یکسانی مذهب و نژاد و اندک بودن اقلیت‌ها، ازدواج میان دو نژاد یا دو مذهب متفاوت بندرت دیده می‌شود. علاوه بر این برخی از مذاهب اقلیت ایران خود درون همسر هستند و ازدواج با مذاهب دیگری را شایسته نمی‌دانند. در اسلام، ازدواج مرد مسلمان با زنی از مذاهب دیگر ممنوعیتی ندارد اما طبق ماده ۱۰۵۹ قانون ازدواج و طلاق، نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست و حتی ماده ۱۰۶۰ اظهار می‌دارد که ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که منع قانونی ندارد، موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است. نظیر این محدودیت قانونی در میان برخی گروه‌های قومی ایران (مانند ترکمنها) نیز وجود دارد، که در میان آنان ازدواج مرد با زنان دیگر آزاد است ولی در مورد ازدواج دختران خود با افراد دیگر سخت‌گیری می‌کنند (اعزاز، ۱۳۸۸: ۱۰۲) توانایی اداره‌ی خانواده، نوع شغل، ثروت و درآمد در مردم و کم هزینه بودن، توانایی کسب درآمد و اشتغال

وتوانایی کافی برای انجام کارها و اداره خانه در زن، ویژگی‌هایی است که برای فرد در آستانه ازدواج در نظر گرفته می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۵). باروری نیز ملاک جسمانی دیگری است که در گذشته در مورد زنان بیشتر مورد توجه بود، ولی در حال حاضر، باروری مردان نیز یک ملاک مهم به شمار می‌رود. رنگ پوست و به تعبیر دیگر، نژاد ویژگی جسمانی است که در گزینش همسر آنچنان اهمیت دارد که برخی گمان کرده‌اند همسان همسری نژادی پدیده‌ای غریزی است. با وجود تردیدها، گرایش انسانها به این پدیده قابل انکار نیست (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۷). دومین دسته ملاک‌ها، به صفات روان‌شناختی افراد مربوط می‌شود. هوشمندی و همگونی زن و شوهر در آن، به عنوان یک شرط زمینه ساز زندگی رضایت بخش زناشویی مورد تاکید قرار گرفته است. تحقیقات در مورد رابطه هوشمندی همسران و سعادت خونیادگی نشان می‌دهد که اگر زن یا مرد شریک زندگی خود را کم‌هوش‌تر از خود بداند میزان رضایت زناشویی در این خانواده‌ها کم‌تر خواهد بود (ساروخانی: ۶۳). تحصیلات نیز در عصر حاضر به عنوان ملاکی برای گزینش همسر پذیرفته شده است. تشابه در نگرشها، ملاک روان‌شناسی دیگری هست که در اولین ملاقات بین دو نفر عامل مهمی برای جذب افراد به یکدیگر است (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۵۶). ملاک‌های رفتاری و اخلاقی نیز، در گزینش همسر موثر است. داشتن صفات اخلاقی مناسب گاه به حدی مورد تاکید قرار می‌گیرد که یکی از شرایط لازم به شمار می‌آید. نظر سنجی‌ها در ایران نشان می‌دهد، صفاتی مانند اخلاق و رفتار خوب، نجابت، صداقت و گذشت نظر بیش از نیمی از افراد مهم‌ترین ویژگی یک مرد یا زن خوب برای ازدواج به حساب می‌آید، همچنین برخی از ملاک‌ها، به مسائل اجتماعی بر می‌گردد. نوع فرهنگ، طبقه اجتماعی، قومیت، ملیت، دین و مذهب به جنبه‌های اجتماعی هویت هر فرد مربوط می‌شود. در همه دنیا اعتقادات دینی از مهم‌ترین عوامل موثر در گزینش همسر است به طوری که بیش از ۹۸٪ ازدواجها بین یهودیان و ۹۳٪ ازدواجها بین کاتولیک‌ها و بیش از ۷۴٪ ازدواجها بین پرستانها درون دینی است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۵؛ Dudley & Konsinsk, 1990). از نگاه روان‌شناسی اجتماعی در زمینه انتخاب می‌توان به نظریه نقش ارزش‌انگیزه اشاره کرد. نظریه نقش ارزش‌انگیزه یک نظریه عمومی از توسعه روابط بین زوجهاست. بنیانگذار این نظریه برنارد مورستین (1980)

است. این نظریه در مقام نظریه مبادله است که در شرایط گزینشی نسبتاً آزاد، جذب و کنش متقابل به ارزش مبادله امتیازات و استعدادهایی که هر یک از زوجین به موقعیت جدید وارد می‌کند، بستگی دارد. انواع متغیرهایی که روی مسیر پیشرفت رابطه تأثیر می‌گذارند، تحت سه مقوله انگیزش، مقایسه ارزشی و نقش طبقه بندی می‌شود. (مورستین، ۱۹۸: ۱۳۴).

مرحله انگیزش: زمانی که دو فرد از جنس مخالف آزادی عمل در انتخاب داشته باشند، عمدتاً شرایط زیادی وجود دارد که بسیاری از افراد غیرقابل انتخاب را حذف کنند. مرحله انگیزش وقتی است که اولین انتخابها بر پایه ویژگیهای آشکار ساخته می‌شوند. هر شخصی قوت و ضعف‌های دیگری را ارزیابی می‌کند و این ارزیابیها آنقدر ادامه پیدا می‌کند که نهایتاً به دوست داشتن یا تنفر تبدیل می‌گردد.

مرحله مقایسه ارزش: اصطلاح دربرگیرنده مفاهیمی چون علائق، نگرشها، عقاید و حتی نیازها است. نقطه تمرکز اولیه مرحله مقایسه ارزشی، بطور خلاصه گردآوری اطلاعات از طریق تعامل زبانی با دیگری است. زمانی که افراد دارای ارزش‌های مشابه شدند، اعتماد آنان بالا رفته و از این رو رضایتمندی و خرسندی عاطفی حاصل شده و ابزارهای برقراری ارتباط و کنش متقابل افزایش می‌یابد. به طور خلاصه این نظریه بر آن است که:

۱) اشخاص با پیش زمینه‌های مشابه، ارزش‌های مشابهی می‌گیرند.

۲) پاداشها به افراد رضایت خاطر و خرسندی می‌دهند، از این رو تمایل به ادامه ارتباط، آشنایی را زیاد می‌کند (مورستین، ۱۹۸۶: ۱۳۶). زوجینی که به این مرحله می‌رسند، در باره موضوعات مهمی مثل ازدواج، نگرش نسبت به زندگی، نقشهای جنسی، داشتن فرزند و مانند اینها به اشتراک می‌رسند. شباهت ارزش به شدید شدن ارتباط عشقی و کنش متقابل با یکدیگر ختم می‌شود. درحقیقت، شباهت قوی ارزشی ممکن است به ازدواج ختم گردد (مورستین، ۱۱۲).

مرحله نقش: در این مرحله زمانی که یک زوج مرحله انگیزش و مقایسه ارزشی را سپری نمودند، یک رابطه معقولانه را تثبیت می‌نمایند. بعضی از این افراد در این مرحله حتی ممکن است تصمیم به ازدواج بگیرند. جنبه اولیه از مرحله نقش، ارزیابی از کارآیی یک شخص در ارتباط با نقشی است که شخصی برای [دیگری] متصور می‌شود و کارآئی نقش تصور شده

همسر با توجه به نقش‌هایی است که شخص برای تصور کرده است این کنش متقابل به هر شخصی اجازه می‌دهد که دیگران و خود را در نظم بخشیدن به ارتباط با آنهایی که می‌تواند در ازدواج انتظار داشته باشد، مشاهده کند. آنها قادرند تخمین بزنند که آیا شخص دیگری نیازهایشان را برآورده می‌کند یا نه؟ و آیا آنها در نظم دادن به ارتباط ایجاد شده راحت هستند یا نه؟

پیشینه پژوهش

بارج و ونکلی (۱۹۹۵) به مطالعه‌ی پیوندهای پیامدهای بهداشتی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که "هر چه پیامدهای اجتماعی پروژه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، به ویژه آن‌هایی که در جهت نفع اجتماعات برنامه‌ریزی شده‌اند بیشتر باشد... استرس ناشی از عدم اطمینان و قطعیت همراه با آن‌ها نیز بیشتر خواهد بود (بکر و ونکلی، ۱۳۸۸: ۱۴۰). متخصصان علم خانواده در باره کارآمد بودن آموزش‌های قبل از ازدواج اطمینان دارند. زوج‌هایی که در این برنامه‌ها شرکت داشته‌اند، نگرش مثبتی نسبت به آموزش قبل از ازدواج و اثرات آن دارند. و آن را رویداد ارزشمندی می‌دانند (خمسه، ۱۳۸۲). کارول و دوهرتی (۲۰۰۳) دریافته‌اند که برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج به طور کلی در فراهم آوردن دستاوردهای مفید، سریع و کوتاه مدت در مهارت‌های بین فردی و به طور کلی کیفیت روابط موثرند. استنلی و همکاران (۲۰۰۶) دریافته‌اند که شرکت در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج با سطوح بالاتر رضایتمندی و تعهد در ازدواج و سطوح پایین تر تعارض و نیز کاهش نرخ طلاق در ارتباط است. برنامه آموزش پیش از ازدواج از سال ۱۳۸۱ در دفتر پیشگیری از آسیبهای اجتماعی معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور بعنوان یک برنامه پیشگیرانه و ارتقایی در دستور کار قرار گرفت و طراحی و برنامه‌ریزی آن آغاز شد و در این مدت ضمن برقراری ارتباط با دانشمندان و متخصصان این حوزه و جمع‌آوری متون نوشتاری و تحقیقات علمی متن آموزشی مطابق با شرایط فرهنگی جامعه ایران تهیه و تدوین شد. اما به رغم برگزاری این کلاس‌ها رشد طلاق در ایران نگران‌کننده می‌باشد. با توجه اهمیت ابعاد روانی و اجتماعی طلاق، پیشگیری از آن با استفاده از آموزش‌های اجتماعی یکی از راه‌هایی

است که می‌تواند مفید باشد. اما برای این که مشخص شود چه نوع آموزش‌هایی باید در کلاس‌ها لحاظ شود که بتواند به طور موثر بر زندگی زوجین تاثیر بگذارد نیز باید مد نظر قرار گیرد که با انجام تحقیقات اجتماعی این امر میسر می‌شود و این خود نشان دهنده ضرورت تحقیقاتی از این دست در حیطه خانواده است.

بررسی اثر بخشی آموزش پیش از ازدواج عنوان پژوهش دیگری است که توسط درویش زاده و همکاران به بررسی اثر بخشی آموزش پیش از ازدواج، بر قصه‌های عشق دانشجویان دختر مجرد، براساس نظریه قصه عشق اشترنبرگ، در شهرستان دزفول بود. پرداخته و نتایج. نتایج نشان داد که آموزش پیش از ازدواج بر تغییر قصه‌های عشق جامعه پسند، سلطه جویی، سلطه پذیری، سرگرم یولذت جویی معنی دار بوده اند (درویش زاده و پاشا، ۱۳۸۹) پژوهش بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر میزان رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان توسط منصوری نیا و همکاران انجام شده و نتایج حاصل از آن نشان داد که برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج بر رضایت زناشویی در مولفه‌های موضوعات شخصیتی ارتباط زناشویی، حل تعارضات، رضایت از نظر مالی، اوقات فراغت، روابط با بستگان و دوستان، نقش‌های برابری زن و مرد و جهت گیری مذهبی تاثیر معنادار داشته است. بین رضایت زناشویی و عوامل زمینه ای در متغیرهای تحصیلات و وضعیت اقتصادی رابطه معنادار وجود داشت. (منصوری نیا و همکاران، ۱۳۹۰) امیدوار و همکاران در پژوهش بررسی تاثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج و ابعاد آن به روش نیمه تجربی و با استفاده از طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه گواه و در بین ۲۰۷ نفر از دانشجویان داوطلب شرکت در دوره آموزشی به پرسشنامه انتظارات زناشویی پاسخ دادند انجام داده و ۹۲ نفر که در این آزمون‌ها نمرات بالاتری داشتند انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (۴۶ نفر در گروه آزمایش و ۴۶ نفر در گروه کنترل) قرار گرفتند استفاده کردند. نتایج نشان دادند که آموزش پیش از ازدواج، انتظارات زناشویی ($P < 0/0001$) دانشجویان در آستانه ازدواج را به طور معناداری بهبود بخشیده است. هم چنین آموزش پیش از ازدواج در دانشجویان در آستانه ازدواج، ابعاد انتظارات شامل: انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی ($P < 0/0001$)، انتظارات از زندگی زناشویی ($P < 0/0001$) و انتظارات از یک رابطه ایده آل

($P < 0/0001$) را به طور معناداری بهبود بخشیده است. هم چنین نتایج نشان دادند که تاثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی و ابعاد آن در دختران و پسران متفاوت نمی باشد. پژوهش بررسی رابطه جامعه پذیری و نگرش دختران به ارزش های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج توسط مجید موحد و محمدتقی عباسی شوازی انجام پذیرفته و پژوهش با دو هدف بررسی چه گونه گی نگرش دختران جوان به دوستی و معاشرت پیش از ازدواج، و هم چنین بررسی رابطه زمینه های فرهنگی جامعه پذیری با نگرش دختران به دوستی و معاشرت پیش از ازدواج انجام شده است. نتایج نشان داد که به طور کلی، می توان گفت اگر چه دگرگونی های این گستره از روابط، به سوی ارزش های مدرن پیش می رود، اما دختران، هم چنان گذشته، میان ارزش های سنتی و مدرن سرگردان اند. (عباسی شوازی، ۱۳۸۵).

فرضیه ها

به نظر می رسد بین آگاهی از کاربرست مسایل بهداشت جنسی با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

به نظر می رسد بین آگاهی از کاربرست ابعاد روان شناختی ارتباط زوجین با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

به نظر می رسد بین آگاهی از کاربرست ابعاد اجتماعی مسایل خانواده با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

به نظر می رسد بین آگاهی از کاربرست مهارت های زندگی در خانواده با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

به نظر می رسد بین آگاهی از کاربرست ابعاد اعتقادی زوجین با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

روش تحقیق و اجرای پژوهش

روش اجرای این پژوهش بصورت پیمایشی است و جامعه آماری آن شامل کسانی می‌باشد که در شهرستان بوشهر و در ۴ سال گذشته در کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج شرکت کرده بوده و زندگی مشترکشان را آغاز کرده اند. به دلیل عدم دسترسی به یک جامعه معین و با تعداد مشخصی آزمودنی انتخاب تعداد نمونه‌ها به طریقه تصادفی میسر نبوده و از شیوه نمونه گیری سهمیه‌ای استفاده شده است. نمونه بدست آمده شامل ۳۸۵ زن و مرد بود که به پرسشنامه پاسخ دادند. سپس اطلاعات بدست آمده با استفاده از آماره‌های ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون تجزیه و تحلیل شد پرسش نامه‌ای حاوی ۳۰ سوال بود با توجه به اهداف کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج با توجه به آن چه هست و آنچه باید باشد تنظیم شده که به صورت ۵ گزینه‌ای بود. پرسشگران به مدت ۴ هفته زوجهای هدف را در اماکن تفریحی سطح شهر بوشهر را شناسایی کرده و از آنها برای همکاری و پاسخگویی دعوت کردند. شرط اساسی پاسخ به پرسشنامه شرکت در کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج در شهر بوشهر و داشتن تجربه حداقل ۶ ماه تا ۴ سال تجربه زندگی مشترک بود. در خصوص روایی پرسشنامه‌ها با محاسبه آلفای کرونباخ مقدار روایی ۰/۷۲ بدست آمد.

یافته‌های پژوهش

در بخش مربوط به آمار استنباطی نتایج زیر بدست آمد:
فرضیه ۱: به نظر می‌رسد بین آگاهی از کاربری مسائل بهداشت جنسی با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱: میانگین؛ انحراف معیار و ضریب همبستگی مربوط به فرضیه شماره ۱

سطح معنی داری	ضریب همبستگی	انحراف معیار	میانگین	متغیر	آزمون کندال تاو
۰/۰۱۲	۲/۵۰۲	۰/۵۵۴۲۰	۲/۲۵۰۰	بین آگاهی از کاربری مسائل بهداشت جنسی با استحکام خانواده	
		۰/۸۱۴۵۵	۲/۲۷۷۸		

. بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین دو متغیر به ترتیب برابر $۲/۲۷۷۸$ و $۲/۲۵۰۰$ بوده و انحراف استاندارد دو متغیر نیز برابر با $۰/۵۵۴۲۰$ و $۰/۸۱۴۵۵$ است با توجه به مقدار ضریب همبستگی $۲/۵۰۲$ و سطح معنی داری $۰/۱۲$ در متغیرهای فوق در سطح $۰/۰۵$ معنی دار است با توجه به موارد فوق فرضیه مذکور تایید می گردد. به عبارت دیگر بین آگاهی از کاربست مسایل بهداشت جنسی با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: به نظر می رسد بین آگاهی از کاربست ابعاد روان شناختی ارتباط زوجین با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۲: میانگین؛ انحراف معیار و ضریب همبستگی مربوط به فرضیه شماره ۲

آزمون کندال تاو	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
آگاهی از کاربست ابعاد روان شناختی ارتباط زوجین با استحکام خانواده	۶/۴۴۶	۱/۲۹۸۱۳	۰/۴۵۱	۰/۴۸۲
	۲/۲۷۷۸	۰/۸۱۴۵۵		

بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین دو متغیر به ترتیب برابر $۶/۴۴۶$ و $۲/۲۷۷۸$ بوده و انحراف استاندارد دو متغیر نیز برابر با $۱/۲۹۸۱۳$ و $۰/۸۱۴۵۵$ است با توجه به مقدار ضریب همبستگی $۰/۴۵۱$ و سطح معنی داری $۰/۴۸۲$ در متغیرهای فوق در سطح $۰/۰۵$ معنی دار است با توجه به موارد فوق فرضیه مذکور تایید می گردد و بین متغیرهای آگاهی از کاربست ابعاد روان شناختی ارتباط زوجین با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

فرضیه ۳: به نظر می رسد بین آگاهی از کاربست ابعاد اجتماعی مسایل خانواده با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

جدول ۳: انحراف معیار و ضریب همبستگی مربوط به فرضیه شماره ۳

آزمون کندال تاو	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
آگاهی از کاربست ابعاد اجتماعی مسایل خانواده با استحکام خانواده	۱۱/۳۸۸۹	۲/۶۳۲۵	۱/۰۷۲	۰/۲۸۴
	۲/۲۷۷۸	۰/۸۱۴۵۵		

بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین دو متغیر به ترتیب برابر ۱۱/۳۸۸۹ و ۲/۲۷۷۸ بوده و انحراف استاندارد دو متغیر نیز برابر با ۲/۶۳۲۵ و ۰/۸۱۴۵۵ است با توجه به مقدار ضریب همبستگی ۱/۰۷۲ و سطح معنی داری ۰/۲۸۴ در متغیرهای فوق در سطح ۰/۰۵ معنی دار است با توجه به موارد فوق فرضیه مذکور بین آگاهی از کاربست آگاهی از کاربست ابعاد اجتماعی مسایل خانواده با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد بین آگاهی از کاربست مهارت‌های زندگی در خانواده با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴: میانگین؛ انحراف معیار و ضریب همبستگی مربوط به فرضیه شماره ۴

آزمون کندال تاو	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
بین آگاهی از کاربست مهارت‌های زندگی در خانواده با استحکام خانواده	۹/۸۶۱۱	۱/۸۶۹۳۴	۱/۴۲۱	۰/۱۵۵
	۲/۲۷۷۸	۰/۸۱۴۵۵		

بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین دو متغیر به ترتیب برابر ۹/۸۶۱۱ و ۲/۲۷۷۸ بوده و انحراف استاندارد دو متغیر نیز برابر با ۱/۸۶۹۳۴ و ۰/۸۱۴۵۵ است با توجه به مقدار ضریب همبستگی ۱/۴۲۱ و سطح معنی داری ۰/۱۵۵ در متغیرهای فوق در سطح ۰/۰۵ معنی دار است با

توجه به موارد فوق فرضیه مذکور تایید می گردد و بین آگاهی از کاربست مهارت‌های زندگی در خانواده با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.
فرضیه ۵: به نظر می‌رسد بین آگاهی از کاربست ابعاد اعتقادی زوجین با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵: میانگین؛ انحراف معیار و ضریب همبستگی مربوط به فرضیه شماره ۵

آزمون کندال تاو	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
بین آگاهی از کاربست ابعاد اعتقادی زوجین با استحکام خانواده	۲/۱۹۴۴	۱/۱۶۶۶۷	۰/۷۳	۰/۳۰۲
	۲/۲۷۷۸	۰/۸۱۴۵۵		

بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین دو متغیر به ترتیب برابر ۲/۱۹۴۴ و ۲/۲۷۷۸ بوده و انحراف استاندارد دو متغیر نیز برابر با ۱/۱۶۶۶۷ و ۰/۸۱۴۵۵ است با توجه به مقدار ضریب همبستگی ۰/۷۳ و سطح معنی داری ۰/۳۰۲ در متغیرهای فوق در سطح ۰/۰۵ معنی دار است با توجه به موارد فوق فرضیه مذکور تایید می گردد. به عبارت دیگر، بین آگاهی از کاربست ابعاد اعتقادی زوجین با استحکام خانواده رابطه وجود دارد.

تحلیل رگرسیون

تحلیل رگرسیون این متغیرها نیز به شرح زیر بدست آمده است:
با استفاده از روش Enter میزان اثر گذاری هر متغیر مستقل بر وابسته و متغیرهای مستقل و همبستگی مثبت یا منفی مبنای انتخاب اولین گزینه جهت ورود به معادله بوده‌اند.

جدول شماره ۶: تحلیل رگرسیون متغیرهای پژوهش

Sig F	F	R	R	SIG t	T	BET A	ضرایب استاندارد		متغیرهای پیش بین
							خطای معیار	B	
۰/۰۰۱	۲۳/۸	۰/۱۹	۰/۴۳	۰/۰۰۱	۵۵/۱۰	---	۰/۷۴	۵۰/۰۱	مقدار ثابت
				۰/۲۴	۲/۲۷	۰/۳۴۲	۰/۲۷	۰/۶۱	آگاهی از کاربست مسایل بهداشت جسمی و جنسی
				۰/۱۶	۲/۴۲	۰/۱۳	۰/۴۷	۱/۱۳	آگاهی از کاربست مسایل روان شناختی با استحکام خانواده
				۰/۲۸۴	۲/۹۷	۰/۳۴۱	۰/۲۹	۰/۸۰	آگاهی از کاربست از مسایل اجتماعی و استحکام خانواده
				۰/۱۵۵	۲/۳۵۲	۰/۳۴۱	۰/۴۸	۱/۱۲	آگاهی از کاربست مهارت‌های زندگی و استحکام خانواده
				۰/۳۰۲	۴/۴۱۲	۰/۴۱۶	۰/۴۳	۰/۲۸۱	بین آگاهی از کاربست ابعاد اعتقادی زوجین با استحکام خانواده

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که مقادیر مربوط به F و سطح معنی داری آن به ترتیب برابر با ۲۳/۸۲ و Sig=۰۰۱ است با توجه به مقادیر $(\alpha=0.05 < sig=0.001)$ می‌توان گفت که مدل رگرسیونی خطی بدست آمده رابطه بین متغیرهای مذکور را به خوبی بیان می‌کند. یعنی آگاهی از مسایل بهداشت جسمی، مسایل روان شناختی و اجتماعی و مهارت‌های زندگی با استحکام خانواده رابطه دارد. مقدار ضریب همبستگی چندگانه نیز برابر با ۰/۴۳ شده است که نشان دهنده این است که متغیرهای پیش بین آگاهی از مسایل بهداشت جسمی، مسایل روان شناختی و اجتماعی و مهارت‌های زندگی در مجموع نیز رابطه همبستگی معنا دار با میزان استحکام خانواده دارند. ضریب تعیین برابر با ۱۹۲/۱ شده است که نشان می‌دهد ۱/۹۲ درصد از کل تغییرات واریانس مربوط به متغیر وابسته میزان استحکام خانواده را از طریق متغیرهای

آگاهی از مسایل بهداشت جسمی، مسایل روان شناختی و اجتماعی و آموزش مهارت‌های زندگی قابل توضیح و تبیین است. با توجه به این جدول معادله رگرسیونی چنین طرح می‌شود

$$Y = \alpha + b_1 x_1 + b_2 x_2 + b_3 x_3 + \dots$$

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش از نظر کسانی که از یک سو تجربه حضور در کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج دارند و از سوی دیگر تجربه زندگی مشترک و کاربرد آن کلاس‌ها در زندگی مشترکشان، به نظر می‌رسد که تمرکز این کلاس‌ها بیشتر بر مسایل جنسی و بهداشتی است. اگرچه با توجه به این که مطرح کردن بسیاری از مسایل در جوامع سنتی کار دشواری است و کلاس‌های آموزش قبل از ازدواج به دلیل برخورداری از صبغه قانونی و اجباری می‌توانند مکان مناسبی باشند که در آن به راحتی از مسائلی که در جامعه و بین افراد تابو به حساب می‌آید سخن گفت و آگاهی بخشید، اما باید در کنار این مسایل باید به ابعاد دیگری نیز پرداخته شود. ابعادی که بدون شک در استحکام خانواده نقش مهمی دارند. این درست است که صادقانه سخن گفتن از احساسات در باره مسایل جنسی در جوامع سنتی کار دشواری است و تحقیقات (پیران) نشان می‌دهد که یکی از عوامل مهم از هم پاشیده شدن خانواده‌ها در ایران عدم آگاهی از کاربرد درست مسایل جنسی در خانواده است اما واقعیت این است که اغلب افراد نمی‌دانند که مسایل جنسی چیزی بسیار فراتر از آمیزش جنسی است و همسران باید شیوه ارتباط با یکدیگر یاد بگیرند که بتوانند نیازهای خود را با یکدیگر در میان بگذارند که این شناخت می‌تواند گره بسیاری از مشکلات جنسی که منجر به سست شدن استحکام خانواده می‌شود بگشاید، لذا لازم است در این خصوص در کلاس‌های آموزش قبل از ازدواج صحبت شود و به زوجین یاد داده شود که چگونه آزادانه و بدون شرمساری در باره خودشان و همه نیازهایشان با هم صحبت کنند. توجه به تفاوت‌ها و نگرشهای خانواده می‌تواند روابط را از چالش‌های آینده حفظ نماید مثلاً در بحث نگرش خانواده‌ها به فرزندآوری و تربیت فرزندان، برای بعضی از خانواده‌ها بچه دار شدن دلیل ازدواج است و برای بعضی دیگر نه. دختر و پسری که قصد ازدواج دارند در خانواده‌ای کاملاً متفاوت بزرگ شده‌اند که در

مسائلی مانند ازدواج، امور مربوط به تربیت فرزندان، مذهب، مسایل جنسی، کار و شغل و در آمد و شیوه هزینه کردن و اداره امور منزل تفکر خاص خود داشته اند. انتظارات و اولویت‌های آنها با هم فرق داشته است. قدر مسلم این است که این مسایل در یک رابطه دو نفره نیز خود را نشان خواهد داد پسر و دختر در این زمینه از خانواده‌های خود الگو گرفته اند. مدیریت کردن این تفاوتها بسیار مهم است و مسأله این است که در آموزش‌های قبل از ازدواج چقدر به آگاهی دادن نسبت به این تفاوتها پرداخته می‌شود. مسلماً پاسخ زوجین به این تفاوتها می‌تواند معیارهای آنها را مشخص کرده و برای ادا شدن ازدواجی موفق به دانستن آن نیاز است. داشتن تصورات خاص نسبت به ازدواج ممکن است منجر به افزایش انتظارات غیر منطقی از یکدیگر شود و این امر مانع پیشرفت زوجین و هم چنین مانع کشف راه حل‌های جدید و موثر در بهتر کردن رابطه زناشویی شان می‌شود (هاردین و سلون، ۱۳۸۶: ۳۰). ازدواج زمان تغییر دو فرد است و ارتباط بین والدین با فرزندان مجرد و متأهل با هم فرق دارد. پی بردن به این که ارتباط فرد با خانواده اش در زمان مجرد و تاهل چه تفاوتی باید داشته باشد و تمرکز بر روی این تفاوتها و تغییرات برای داشتن یک رابطه مستحکم ضروری است ازدواج تحولات جدیدی برای خانواده‌ها به وجود می‌آورد و با آگاهی از میزان آن می‌توان از بسیاری از سوء تفاهم‌ها جلوگیری کرد. مهمترین عامل در ازدواج موفق درست ارتباط برقرار کردن است. ناتوانی بین زوجین در برقراری ارتباط و پیدا کردن راه حل برای تعارضات باعث بروز مشکلات می‌شود (هاردین و سلون، ۱۳۸۶: ۵۰). یک پیام واضح و آشکار از هر دو فردی که می‌خواهند با هم ازدواج کنند می‌تواند احساسات و نظرات را آگاهانه و دقیق منتقل کند. در کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج باید به این که چگونه زوجین این گونه رابطه را ایجاد کنند بحث شود. محیطی که فرد در آن رشد کرده است تاثیر زیادی در شکل‌گیری شخصیت او دارد. در همه رابطه‌های زناشویی مشکلات و تضاد وجود دارد. هیچ دو نفری مانند هم فکر و احساس نمی‌کنند. بنابر این توجه افراد باید به این مسأله باش که راه حلی برای تضادها جستجو کنند نه این که بر خود مشکلات تمرکز کنند. افرادی که قادر به حل مشکلات و رفع تعارضات در رابطه شان نباشند با مشکلاتی مواجه می‌شوند آموزش مهارت‌های حل این تضادها و پذیرش تفاوتها یکی دیگر از مسایل مهمی است که باید در کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج مورد

توجه قرار بگیرد، آموزش مهارت‌های اجتماعی نظیر کنترل خشم و عصبانیت می‌تواند روش موثری برای آرامش و استحکام خانواده در هنگام بروز اختلافات و ناسازگاری‌ها باشد. مطرح کردن تفاوت‌های دینی نیز در این کلاس‌ها اهمیت زیادی دارد، دانستن این که رابطه بین یک فرد مذهبی و یک فرد غیر مذهبی دو نفر با عقاید دینی متفاوت چگونه می‌تواند شکل بگیرد و همچنین اختلافات مذهبی چه تاثیری در استحکام خانواده خواهد داشت در داشتن یک ازدواج موفق ضرورت دارد. در کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج زوج‌های بسیاری شرکت می‌کنند که عقاید دینی متفاوتی دارند. تردیدی نیست که آموزش‌ها و تعالیم دینی به طور مستقیم روی درک و فهم انسان‌ها در زندگی تاثیر می‌گذارند و این تفاوت‌های تعلیمی که از نظام خانوادگی شروع می‌شود می‌تواند استحکام خانواده را تحت تاثیر قرار دهد. همچنین مسایل مالی نیز موجب بروز کشمکش در خانواده‌ها می‌شوند، نوع نگرش افراد به پول و در آمد و هزینه کردن پول و نحوه تربیت فرزندان در مسایل مالی در همه خانواده‌ها مطرح است. آیا مسایل مالی ارزش متزلزل کردن بنیان خانواده‌ها دارند؟ پاسخ اغلب افراد منفی است اما در دنیای واقعی کشمکش در این امر مشکلات زیادی برای خانواده‌ها بوجود آورده است. پول یک وسیله مبادله است اما درگیر شدن با مسایل پیچیده انسانی روی نحوه استفاده از آن تاثیر گذاشته و خانواده نیز از این امر مستثنی نیست. مدیریت مالی در خانواده از مهمترین مسائلی است که در کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج باید به آن پرداخته شود. زوجین باید نگرش یکدیگر در امور مالی مورد توجه قرار دهند. قدر مسلم این است که تفکرات و نظرات دو فرد از بسیاری از جهات با هم فرق دارند و دو فرد باید با علم به این تفاوت‌ها خود را آماده ایجاد رابطه بنمایند. توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت که باید در گزینش مطالبی که در کارگاه‌های آموزش پیش از ازدواج برگزار می‌شود تجدید نظر شده و علاوه بر پرداختن به مسایل بهداشتی و جنسی به متغیرهای دیگری که در استحکام خانواده نقش دارند نیز پرداخته شود. تاثیر کلاس‌ها و کارگاه‌های قبل از ازدواج باید در کاهش طلاق تاثیر داشته باشد اما با توجه به افزایش آمار طلاق در کشور نمیتوان گفت که این کلاس‌ها چه میزان موفق عمل کرده اند لذا باید در خصوص این کلاس‌ها و متغیر طلاق پژوهش‌هایی صورت بگیرد تا ضعف این کلاس‌ها مشخص شده و اثر گذاری سیاست‌های اجتماعی در جامعه نمود پیدا کند.

منابع

آذربایجانی، مسعود (و دیگران) (۱۳۸۷) روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران:

سمت

احمدی، علی اصغر (۱۳۸۳) بررسی اختلاف‌نظر جوانان و والدین در امر همسرگزینی و ازدواج، مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۳ شماره ۲۵

اعزازی، شهلا (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی خانواده، تهران: روشنگران و مطالعات زنان

امیدوار، بنفشه؛ فاتحی زاده، مریم السادات؛ احمدی، سید احمد (۱۳۸۸) بررسی تاثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج در شهر شیراز، خانواده

پژوهی سال پنجم تابستان ۱۳۸۸ شماره ۱۸

بکر هنک؛ ونکلی، فرانک (۱۳۸۸) راهنمای بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی ترجمه‌های جلیلی، تهران: جامعه‌شناسان

پارسونز، تالکوت (۱۳۶۳) ساختار اجتماعی خانواده در مبانی و رشد جامعه‌شناسی نوشته جی اچ آبراهام، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش

چانداران، لاکشمانا؛ دارما مالینگام، تیرومورتی (۱۳۷۰) آموزش بهداشت، ترجمه فروغ شفیعی و اذن‌الله آذرگش، تهران: دانشگاه تهران

خمسه (۱۳۸۵) آموزش پیش از ازدواج، تهران: دانشگاه الزهرا

درویش زاده سارا، پاشا غلامرضا (۱۳۸۹). یافته‌های نو در روان‌شناسی بهار ۱۳۸۹؛ ۵(۱۴): ۲۳-۷.

سگالن، مارتین (۱۳۷۰) جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز
عسکری خانقاه، اصغر (۱۳۷۳) مردم‌شناسی؛ روش، بینش، تجربه، تهران: نشر شب تاب

منصوری نیا، آذرخ (۱۳۹۰) بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر میزان رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان، یافته‌های نو در روان‌شناسی تابستان ۱۳۹۰؛ شماره ۱۹ سال ۶، ص

۶۵-۷۸

موسوی، اشرف السادات (۱۳۸۸) مشاوره قبل از ازدواج با نگاه کاربردی

دواس دی‌ای (۱۳۸۳) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، هوشنگ نایی، تهران، نی

ساروخانی، باقر (۱۳۷۷) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش
موحد، مجید؛ عباسی شوازی، محمدتقی بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به
ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج، مطالعات
زنان ۱۳۸۵ شماره ۱۰

- Dudley, M. G; & Konsinski, F. A.(1990) Religiosity and marital satisfaction: A research note. *Review of religious Research*,32, 78-113.
- Esgebeen, D. J. , & Lichter, D. T. (1991). Race, family structure, and changing poverty among American children. *American Sociological Review* , 56, 801-817.
- Les D, Leslie P.(2001). I Lov more: How everyday problem Can Strengthen your marriage. The office of plaining, research , and evaluation in the administration for Children and families, Departmen of health and human Service
- Lichter, D.F Leclere & D. Mclaughtin(1991) "Local marriage market and the material behavior of black and white women", *AJS*.96 4(jan): pp 843-867
- Murstein, Bernard I (۱۹۸۷) *Love, sex, and marriage through the* , Springer Pub.
- Quale, Robina, G(1988) *A history of marriage system*.New York: Greenwood
- Shorter, Edward(1975) *"Die Geburt der modernen Familie*. Reinbeck: Rowolth
- Stanley, S.M, Samato, P.R , Johnson, C.A, & Markman, H.J. (2006). Premarital education, Marital guality , and marital Stability: Fincliny from alarge random household Survey. *Journal of Family Psychology*, 20,117-126